



# جستاری در شاخصه های بازار اسلامی

## در معارف اهل بیت (علیهم السلام)

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۸

محمد رضا جواهری<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهان اسلام در صدد شناخت بازار اسلامی، به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی برآمد تا با راهبردهای کارآمدی نظام اقتصادی اسلامی آشنا شود. در این پژوهش درون دینی، تلاش شده است شاخصه های بازار اسلامی از متون مقدس دینی استنباط و توصیف و تحلیل گردد. چون شاخصه های دینی بازار در دو بخش ایجابی و سلبی قرار دارد و در این پژوهش یافته های قرآنی و حدیثی پیرامون بازار اسلامی در دو قسمت بایدها و نبایدها استخراج و ثبت شده است.

در شاخصه های ایجابی رزق حلال و تجارت مشروع و آگاهی از احکام شرعی و فقه تجارت و یاد خدا و نماز و اتقان و استحکام کالا و شفافیت و صداقت بررسی و فهرست سایر شاخصه ها در نوزده محور گزارش شده است. در شاخصه های سلبی نیز اخسار و تطفیف و غش مورد بررسی قرار گرفته و سایر شاخصه ها در پانزده محور فهرست گردیده است. افزون بر شاخصه ها، سیره امام علی (علیه السلام) در امور بازار نیز ارائه شده است.

پژوهشگر کوشیده است، متون مقدس دینی دارای واژه های اقتصادی همچون سوق و رزق حلال و حرام و تجارت و بیع و شراء و رزق و اخسار و تطفیف و مکیال و میزان و غش و مشتقات آن ها را توصیف و تحلیل اجتهادی کند.

**کلیدواژه ها:** قرآن، حدیث، بازار اسلامی، شاخصه ها.

## مقدمه

جامعه و زندگی اجتماعی همواره نیازمند داد و ستد و تبادل کالا و خرید و فروش است و این کار در بازار انجام می‌شود. اسلام به این نیاز همیشگی و پایدار بشر توجه دارد و قوانین و اصول و شاخصه‌های بازار مطلوب را تبیین کرده است. در این پژوهش سعی شده است، شاخصه‌های برجسته بازار اسلامی بر اساس احادیث و معارف اهل بیت (علیهم السلام) توصیف و تحلیل شود و برخی احادیث مرتبط با خرید و فروش و بازار و کالا، از کتب حدیثی دارای اعتبار، انتخاب و ترجمه و پیام‌ها و درس‌های آن تبیین گردد.

مسئله تحقیق شناخت شاخصه‌های ایجابی و سلبی بازار اسلامی است که در قرآن و حدیث وجود دارد و در کتب تفسیری و حدیثی آمده است؛ لذا در این پژوهش شاخصه‌های مهم و بنیادین بازار اسلامی همراه با فهرست سایر شاخصه‌ها در دو بخش ایجابی و سلبی با استناد به متون دینی ارائه شده است. نجات بازار جامعه اسلامی از بحران هویت و رسیدن به پویایی و توانایی پاسخگویی به نیازهای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور اسلامی در گرو احیای شاخصه‌های بازار اسلامی است.

بازار اسلامی امتیازات ایجابی و وجودی و ممیزات عدمی و سلبی دارد. این بایستگی‌ها و نبایستگی‌های مشخص در نصوص دینی آمده است. التزام عملی به این مختصات موجب کارآمدی و موفقیت و رونق و الگو شدن بازار می‌گردد. بی‌توجهی به این ویژگی‌های مثبت و منفی، عامل فساد و تورم و گرانی و بیکاری و ناکارآمدی بازار در ایفای نقش بزرگ آن می‌شود. اگر در بازار مسلمانان جای بایستگی‌ها و صفات ایجابی با نبایستگی‌ها و صفات سلبی عوض شود چهره زشت و نامناسب از اقتصاد اسلامی نمایان خواهد شد و ضعف و سستی و بی‌دقتی و بی‌کفایتی بازاریان مسلمان در کارنامه بازار اسلامی ثبت می‌شود و آنجاست که هم مسلمانان اقتصاد بیمار خواهند داشت و هم موجبات دور شدن مردم از اسلام و نفرت از بازار اسلامی فراهم می‌شود.

## ضرورت بحث

انقلاب اسلامی اهداف اقتصادی اسلامی نیز داشت و باید در بازار مسلمانان ایرانی تحولی مثبت در راه وصول به بازار اسلامی صورت می گرفت. در قانون اساسی که دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی است در مقدمه عنوان شده؛ «اقتصاد وسیله است نه هدف». در متن قانون اساسی نیز اصول ۲۲ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۱ و ۴۰ و ۵۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ به امر اقتصاد اختصاص یافته است. عنوان فصل چهارم قانون اساسی نیز «اقتصاد و امور مالی» است و از اصل ۴۳ تا ۵۵ به ویژه اهداف امور اقتصادی و مالی انقلاب اسلامی را ثابت می کند.

وضعیت نامطلوب فعلی بازار ضرورت بازاریشناسی اسلامی و تدبیر و مدیریت تحول اساسی در آن را آشکار می سازد. تورم و گرانی و فساد و بی کاری از مسائل مربوط به بازار است. شرایط اقتصادی به گونه ای است که به صورت تهدید برای نظام اسلامی در آمده و سرنوشت انقلاب اسلامی به آن گره خورده است. آسیب شناسی بازار و خطرشناسی آن، نیازمند معرفت بایستگی ها و نبایستگی های بازار اسلامی است. رها کردن و آزادی بازار، موجبات فساد اقتصادی را فراهم می کند. بی تردید آثار سلامت و کارآمدی بازار اسلامی نمایانگر توانایی های اسلام در اقتصاد اسلامی است. مدیریت نظری و عملی بازار از سوی بازاربان مؤمن و مسئولان دلسوز و مؤمن امکان پذیر است. بازار امروز عامل نارضایتی مردم و بدبینی به نظام و انقلاب اسلامی است و باعث دشمن سازی برای دین می گردد. آنان که از شاخصه های دقیق بازار اسلامی آگاهی ندارند با مشاهده نابسامانی ها و به هم ریختگی عجیب بازار و گرفتاری های فراوان پولی و فساد مالی را انعکاس نظام اسلامی می بینند. آنان توانایی تفکیک «بازار مسلمانان» و «بازار اسلامی» را ندارند و این به هم آمیختگی ایجاد نفرت نسبت به ارزش های دینی و مذهبی می کند و خطرناک است. همچنان که درهم ریختگی گفتار و رفتار «مسلمانان» و «اسلام» و نیز «انقلابیون» و «انقلاب اسلامی» خطرناک و زیان بار است. توانمندی در فهم تفکیک راه نجات از آسیب ها و رهایی از خطرات فراوان این پیوند نادرست و نامیمون اعتقادی است و این توانایی نیز سخت محتاج معرفت شاخصه های ایجابی و سلبی بازار اسلامی از متون دینی است. ناآگاهی از

آموزه های دینی و در نتیجه عدم آراستگی به ارزش های اسلامی و عدم پیراستگی از ضد ارزش ها سبب این جابجایی نامتقارن است. روشن شدن شاخصه های بازار اسلامی آثار متعدد و چند جانبه دارد هم معیارهای بازار اسلامی را به بازاریان مسلمان نشان می دهد و هم مردم از بازار اسلامی تعریفی دقیق پیدا خواهند کرد.

### روش تحقیق

منبع اصلی شناخت بایستگی ها و نبایستگی ها و حلال ها و حرام ها در اقتصاد بازار اسلامی «قرآن» و «سنت» است. با مطالعات حدیث شناسی اقتصادی و درک آموزه های حدیثی در مسئله بازار از درون احادیث مرتبط با بازار، این تحقیق توصیفی تحلیلی انجام شد. واژگان همسوبا بازار شناسایی و به منابع دارای اعتبار حدیثی قدما و جوامع حدیثی متأخران مراجعه گردید. احادیث دارای واژگان بیع و شراء و حلال و حرام و سوق و تجارت و رزق و اخسار و تطیف و صداقت و مکیال و میزان و غش و مشتقات آن ها و سایر واژه های مرتبط از درون کتب حدیثی قدما و متأخرین و مراجع دارای اعتبار جست و جو و ترجمه و توصیف شد. درون احادیث هم بایدها و واجبات و بایستگی هایی برای بازار وجود داشت و هم نبایدها و محرمات و نبایستگی های فراوان جاری بود. این احادیث در دو بخش ارزش ها و مشخصات مثبت، و ضد ارزش ها و خصوصیات منفی بازار قرار گرفت. بعد از استخراج احادیث بازاری، این احادیث براساس نص و ظاهر آن ها تحلیل مفهومی و احکام آن استنباط گردید. شاخصه های مثبت و منفی بازار اسلامی با این روش آشکار و دسته بندی شد. در بازار اسلامی التزام عملی به یک سلسله بایدها و مجموعه ای از نبایدها و «آنچه باید ترک شود» وجود دارد. با به هم آمیختگی و جابه جایی بایدها و نبایدها بازار اسلامی آلوده و به انحراف کشیده خواهد شد و فساد ایجاد می شود. شاخصه ها دوجانبه است و یک جانبه گرایی در ارزش ها ناقص و نارساست و نمی تواند همه شاخصه ها را آشکار کند. باید ویژگی های سلبی و ایجابی همه با هم دیده شوند.

شایان ذکر است در این تحقیق شاخصه های مثبت و منفی در دو بخش ایجابی و سلبی

مورد توجه قرار گرفت. تا با اثبات فضیلت‌ها و انکار و نفی رذیلت‌های بازار اسلامی، وضعیت فعلی نامطلوب بازار مسلمانان به عنوان شاخصه‌های بازار اسلامی شناخته نشود و تلاش برای تحول در وضعیت نامطلوب بازار و اقتصاد فعلی به وضعیت مطلوب براساس ارزش‌های اقتصادی اسلامی ترویج گردد.

### پیشینه تحقیق

در منابع حدیثی قدیم و جدید، احادیث اقتصادی مرتبط با بازار وجود دارد و نویسندگان مسلمان در ارتباط با اقتصاد و بازار اسلامی تحقیقاتی انجام داده‌اند.

محمد امامی (۱۳۸۵) در رساله دکتری خویش با عنوان «بررسی مبانی فقهی و حقوقی بازار مسلمانان» همان‌طور که از عنوان آن پیداست صرفاً به نظام اقتصادی اسلامی در امر بازار در ابعاد فقهی و حقوقی روی آورده است. برشی کوتاه از این رساله با عنوان بازار مسلمانان: آداب و مقررات در سال ۱۳۹۶ چاپ شده است که این کتاب نیز همانند اصل رساله، به آداب و مقررات بازار مسلمانان در فقه و حقوق اختصاص دارد.

محمد عبداللهی (۱۳۷۱) نیز در کتاب مبانی اقتصاد اسلامی، به‌طور کلی به اقتصاد اسلامی نظر دارد.

پورمند و کرمی (۱۳۹۱) هم کتاب مبانی فقهی اقتصاد اسلامی را با هدف پاسخگویی به مسائل فقهی اقتصاد اسلامی برای دانشجویان نوشته‌اند.

کتاب بازار در شهر اسلامی: طراحی، فرهنگ و تاریخ نوشته محمد قاری پور (۱۳۹۶) نیز مطالعه‌ای بینارشته‌ای است که پویایی‌های بازار را در میان تعدادی از نمونه‌های آن در قاهره، دمشق، حلب و نابلس، بوسا، استانبول، صنعا، کابل، تهران و یزد جست و جوی می‌کند. هدف این کتاب نیز کشف پویایی‌های بازار در یک فضای اجتماعی وسیع و دورنمای سیاسی آن از طریق مطالعه در شماری از نمونه‌ها از شمال آفریقا تا خاورمیانه است.

کتاب بازار در تمدن اسلامی توسط گروهی از نویسندگان داخلی و خارجی در سال ۱۳۸۹ از سوی کتاب مرجع به فارسی چاپ شده است. این کتاب هم مجموعه ای از مقالات است که پیشتر در دانشنامه جهان اسلام انتشار یافته است. موضوعات اصلی کتاب درباره شهر و بازار در دوره اسلامی و مهم ترین خصوصیات بازارهای مرکزی شهرهای اسلامی و کلیاتی در معماری و مصالح ساختمانی بازار و نظام درونی بازار و نقش بازار شهری در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی است.

کتاب اقتصادنا نوشته شهید صدر (۱۳۹۳ ق) نیز گنجینه ای ارزشمند از معارف اقتصاد اسلامی و نظام های اقتصادی و روش شناسی و فلسفه اقتصادی است که با رویکرد سیستمی، مسائل اقتصاد اسلامی را بررسی کرده است. این کتاب از سه بخش تشکیل شده است بخش اول و دوم به نقد نظام سرمایه داری و سوسیالیسم و در بخش سوم به اقتصاد اسلامی می پردازد. در بخش سوم نشانه های کلان و اساسی اقتصاد اسلامی و نظریه توزیع پیش از تولید و پس از تولید و مسئولیت دولت در نظام اقتصادی اسلامی را بیان می کند. این کتاب به اقتصاد تطبیقی اختصاص دارد و به مقایسه سه اقتصاد سرمایه داری و کمونیستی و اسلامی می پردازد.

کتاب های مذکور هیچ یک شاخصه های ایجابی و سلبی بازار اسلامی را با استنباط از قرآن و سنت بیان نکرده اند. امتیاز این مقاله بررسی شاخصه های بازار اسلامی بر اساس متون مقدس دینی و استنباط حقایق اقتصاد بازار اسلامی از قرآن و حدیث است.

### بررسی واژه ها

بازار مکان یا موقعیتی است که در آن، خریداران و فروشندگان کالا، خدمات و منابع را خرید و فروش می کنند. برای هر کالا، خدمت و منبعی که در اقتصاد، خرید و فروش می شود، بازاری وجود دارد (سالواتوره، ۱۳۸۶: ۱۰). بازار فرایندی است که در آن، روبرویی خریداران و فروشندگان با یکدیگر، قیمت و مقدار کالا را تعیین می کند (ساموئلسون، ۱۳۷۳:

۸۰). در این تحقیق بازار در مفهوم عام آن به کار می‌رود آن چنان که در عصر نبوی و امامت، بازار همه اقتصاد کشور را پوشش می‌داده است. بنابراین بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی هر سه بخش بازار دولتی و تعاونی و خصوصی را شامل می‌شود. اقتصاد خرد و کلان و همه گفتار و رفتار مربوط به اموال را در بر می‌گیرد. و بازار پول و سرمایه و بازار اولیه و ثانویه و بازار بورس و بازارهای فیزیکی و مجازی و بازار سکه و بازار سهام و بازار دانش و بازار اوراق قرضه و بازار ارز در آن جای دارد.

«بازار اسلامی» فضای رویارویی عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان در شهرهای اسلامی است که بر فروشندگان و خریداران آن، احکام شریعت اسلامی حاکم باشد و در خریدار و فروشنده و مکان و کالا، صفات و امتیازات و شاخصه های مطلوب بازار اسلامی جاری گردد. شاخصه های بازار اسلامی، علامت‌ها و ممیزات و پایه‌ها و اصول و بلندی‌ها و ویژگی‌های نمایاننده و راهنمای مسلمانان، در راستای تحقق بازار معیار و نمونه و بازار اسوه و تراز جامعه اسلامی است. منبع شناخت این شاخصه‌ها قرآن و حدیث و سیره علوی است.

### سیره امام علی (علیه السلام) در امور بازار

سیره امام علی علیه السلام، حضور رسمی دائمی و روزانه در بازار و گردش در بازارها و رویارویی عملی و نظری با فشار اقتصادی بوده است. ابن ابی مقدم گفته است امام باقر (علیه السلام) فرمود: امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) هر پگاه و صبح زود و بامداد در بازارهای کوفه می‌گشت. بازار را دور می‌زد و بر دوش خود تازینه‌ای داشت که دارای دو سر بود و سببیه نامیده می‌شد؛ بر سر هر بازار می‌ایستاد و با آواز بلند می‌گفت و فریاد می‌زد: ای گروه تاجران و کاسبان! ابتدا از خداوند طلب خیر و برکت کنید و از آسان‌گیری در داد و ستد برکت بجویید و با خریداران نزدیک شوید و صمیمی باشید. به حلم آراسته شوید، از دروغ گفتن و سوگند یاد کردن خودداری ورزید، از ظلم و ستمگری دوری گزینید، با ستمدیدگان که در ضمن خرید و فروش به آنان ستم شده با انصاف برخورد کنید، و به ربا نزدیک

نشوید. و این آیه را می خواند: پیمانہ و ترازور با عدالت تمام دهید! و بر اشیاء (واجناس) مردم عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد نکنید (هود، ۸۵). در همه بازارهای کوفه می گشت سپس بر می گشت و برای کار مردم می نشست (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۱۵۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۱۹۳ و ۱۹۴؛ ۱۴۳۰: ۱۴۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱: ۱۰۳ و ج ۱۰۳: ۹۴؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۲۸۴).

در این حدیث صحیح، امام باقر (علیه السلام) سیره امام علی (علیه السلام) در ارتباط با بازار را ترسیم کرده اند. حاکم اسلامی هر روز صبح به بازارها می رود و موعظه می کند و ابزار مجازات و تازیانه را نیز به همراه دارد تا منحرفان را ادب کند. در این حدیث استخاره و سهولت و اقتراب به خریداران و حلم و انصاف، از ارزش های بازاری است و کذب و سوگند و ظلم و ربا از کارهای حرام در گفتار و رفتار بازاریان است. این سیره برای کارگزاران حکومت اسلامی به ویژه مدیران اقتصادی سرمشق و الگوست و لزوم حضور رسمی آنان در وسط بازار و ابلاغ بایدها و نبایدها و کنترل متخلفان را نشان می دهد. امام فقط موعظه نمی کرد با خود تازیانه داشت تا به بازاریان هشدار بدهند که تخلف مرتکب نشوید که مجازات می شوید!

زادان در گزارش سیره علوی در کنترل بازار مسلمانان گفته است: او در بازارها راه می رفت و او در آنجا گمشده را راهنمایی می کرد، و ناتوان را کمک می نمود، و به خریدار و فروشنده و بقال و سبزی فروش می گذشت و عبور می کرد، پس قرآن را بر او می گشود و این آیه (قصص، ۸۳) را قرائت می کرد: آری این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۰۵؛ ابن طریق، ۱۴۰۷ق: ۳۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱: ۵۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۴۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۱۰۶؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۲۶۰).

براساس این گزارش امام علی (علیه السلام) به تنهایی در بازار راه می رفت و در صحنه عمل یار خریداران بود و فروشندهگان را با قرائت آیه قرآن اندرز و آموزش می داد.

در گزارش دیگر سیره علوی در موضوع بازارها چنین گزارش شده است: در بازار راه

می‌رفت و در دست خود تازیانه‌ای داشت و هرکس از کم‌فروشان و یا غش‌زندگان در تجارت مسلمانان را می‌یافت با آن می‌زد. اصبع گفته است روزی به امام گفتم: من این کار را از طرف شما انجام می‌دهم و شما در خانه بنشینید، برای این کار از خانه بیرون نیایید. امام فرمود: ای اصبع! در حق من خیرخواهی نکردی! و او بر استر خاکستری رنگ رسول خدا ﷺ سوار می‌شد و در بازارها یکی یکی می‌گشت... سپس به بازار خرما فروشان می‌آمد و می‌گفت: همانطور و به همان گونه که جنس خوب خود را ظاهر و عرضه می‌کنید، جنس بد آن را نیز ظاهر و عرضه کنید (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۳۵؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳: ۵۶۰).

در این حدیث روش برخورد امیرمؤمنان با بازارها و بازاریان به روشنی بیان شده است. راه رفتن در همه بازارها و مبارزه قاطع و عملی با کم‌فروشان و دغلکاران و تنبیه آنان و هدایت بازاریان، برنامه روزانه امام علی (علیه السلام) بود. زمانی که اصبع ادعا کرد این کار را جای امام انجام دهد امام او را سرزنش کردند و فرمودند: در این گفتارت برای من خیرخواهی نکردی! یعنی این روش کار من در بازار خیر و عمل صالح است و ترک آن روا نیست.

در گزارش دیگر سیره علوی در امور بازارها چنین آمده است:

امام علی (علیه السلام) از قصر دارالاماره در کوفه خارج می‌شد... و با او تازیانه‌ای بود که با آن در بازارها راه می‌رفت و بازاریان را به تقوای الهی و خوش و نیک فروشی فرمان می‌داد و می‌گفت: حق پیمانمان و ترازو را ادا کنید و غش به کار نبرید و در گوشت فوت نکنید و ندمید (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۶۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۲۰). در این گزارش هم حضور فیزیکی مستقیم امام علی (علیه السلام) در بازارها و آموزش ارزش‌ها و ضد ارزش‌های بازاری به آنان آمده است.

در گزارش دیگر ابوسعید درباره رفتار و گفتار امام علی (علیه السلام) در مسئله بازار گفته است: علی (علیه السلام) بازار می‌آمد و در بازار حضور می‌یافت پس می‌گفت: ای اهل بازار! تقوای الهی را رعایت کنید، از قسم خوردن پرهیزید که سوگند کالا و متاع را می‌برد، و برکت را نابود می‌کند، و تاجر فاجر و گناهکار است مگر کسی که حق را بگیرد و عطا کند، السلام

علیکم. پس روزهایی مکث و درنگ می کرد؛ سپس به بازار می آمد و مثل همان گفتار را می گفت (ثقفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۱۰۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۲۵۰ و ۲۷۱؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳: ۲۲۶).

سیره علوی در مسئله بازار، رفتن به درون بازار و خطبه و موعظه حضوری و چهره به چهره برای بازاریان بوده است. هر چند وقت یکبار یک خطبه اقتصادی کوتاه برای بازاریها داشته و در جملات مشخصی آنان را به تقوای الهی و دوری از سوگند و دوری از ترک حق فرا می خوانده اند.

در این پنج گزارش به ویژه در حدیث صحیح در بیان امام باقر (علیه السلام)، سیره علوی در امور اقتصادی بازار نشان داده شده است. سیره علوی ارشاد و هدایت از راه دور نبود به درون بازار می رفت و با بازاریان سخن می گفت و آنان را موعظه می کرد و متخلفان را تنبیه می نمود. نظارت امام در امر بسیار مهم اقتصاد بازار کوتاه مدت نبود پیوسته و روزانه به بازارها سرکشی می نمود و بازاریان را پند و اندرز می داد. همراه بردن و بر دوش یا در دست داشتن «دره» نماد قاطعیت و ضرورت برخورد فوری با تخلفات بازار را آشکار می سازد. واژه های «یمشی» و «یطوف» و «یأتی» در این احادیث و گزارشها، سیره علوی در امور بازار را ترسیم می کند. راه اصلاح بازار، نظارت روزانه و پیوسته و فراگیر و عینی، با حضور کارگزاران مؤثر حکومت و دستگاه بازرسی و قضائی پاک و نیرومند است. سیره علوی به عنوان حاکم اسلامی باید مورد توجه مدیران اقتصادی حکومت اسلامی قرار گیرد و از نظارت از راه دور و هشدارهای بدون ضمانت اجرایی و کوتاهی در پی گیری و تعقیب و اجرای حکم، دوری کنند.

اکنون در عصر پس از انقلاب اسلامی بررسی و شناخت بازار اسلامی برای شناخت ابعاد نظام جامع اقتصاد اسلامی لازم است. شخصیت های آگاه و مؤمن در حوزه بازار باید به صحنه بیایند. پویایی و کارآمدی اقتصاد کشور وابسته به تحقق بازار اسلامی است و بدون آن امکان پذیر نمی باشد. دوران حکومت اسلامی نبوی و علوی منبع سنجش ارزشها و ضد ارزشهای بازار اسلامی است. بازار مسلمانان در عصر حکومت علوی کاملاً زیر نظر

شخص امام علی (علیه السلام) قرار داشت و در سیره علوی ارتباط و حضور و گفت‌وگوی فیزیکی و هدایت و ارشاد مستمر بازاریان جریان داشت. برخورد فوری و قاطع با مفسدان بازاری، از امتیازات سیره علوی در امور اقتصادی بازار بود. لازم است سنت امام علی (علیه السلام) به مسئولان و بازاریان شناسانده شود و مناسب عصر امروز اجرایی گردد. مردم با مشاهده آثار و برکات و فوائد حاکمیت شاخصه‌های بازار اسلامی، خشنود و راضی و امیدوار می‌شوند و به نظام اسلامی وفادار خواهند ماند. بازار اسلامی با عینیت شاخصه‌هایش اسوه و الگو برای جهانیان به‌ویژه کشورهای اسلامی است. با شناخت سیره علوی در بازار گردی راهنمای محققان و توده مردم در شناخت بازار اسلامی است.

### شاخصه‌ها

شاخصه‌های بازار اسلامی در حوزه اعتقادات و اخلاق و فقه، روشنگر سیمای بازار الگو و نشان دهنده وضعیت مطلوب دینی برای بازارها در جهان بشری است. در این پژوهش شاخصه‌های عملیاتی و کاربردی در جهت کارآمدی و پویایی و سودمندی و حرکت در طریق تزکیه و تکامل در بازار مسلمانان تبیین می‌شود و اصول و اجزاء مدل و الگو و طرح بازار اسلامی روشن خواهد شد.

شناخت شاخصه‌های دینی بازار اسلامی، فرصت برای ارزشیابی وضعیت موجود بازارهای کشورهای اسلامی و بررسی میزان انطباق آن‌ها با امتیازات بازار اسلامی فراهم می‌گردد. شاخصه‌ها و نشانه‌های بازار اسلامی در دو بخش ایجابی و سلبی به تفکیک باید بررسی و تحلیل و شمارش شود چون همان‌طور که شناخت «بایدها» در توصیف بازار اسلامی لازم است، «نبایدها» نیز شایسته بررسی و تبیین می‌باشد. از این رو این پژوهش به هر دو بخش می‌پردازد.

### الف: شاخصه‌های ایجابی

بخشی از نشانه‌ها و مشخصات بازار اسلامی آن چیزهایی است که لازم است بر بازار

اسلامی و بازاری حاکم گردد. ویژگی های وجودی و مثبت که بایستی در بازار اسلامی جاری باشد و بازاریان به آن ها عمل کنند، همان شاخصه های موفقیت و کارهای واجب و مستحب معینی است که باید در بازار اسلامی رعایت شود.

### ۱. کسب طیب و رزق حلال شاخصه بنیادین و جامع بازار اسلامی

بازار اسلامی بستر تبادل کالا و پول با سازه کسب طیب و پاک است و رزق حلال و طیب در آن جریان دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ماده رزق: ۱۹۴). رزق به عطای جاری دنیوی و اخروی، و به نصیب و بهره و سهم، و به آن چه به درون و شکم می رسد و با آن غذا خورده می شود گفته می شود. بنابراین رزق هر آن چیزی است که انسان از آن بهره می برد مادی یا معنوی، دنیوی یا اخروی، مُلکی یا ملکوتی، اعتباری یا حقیقی، پس نه تنها خوردنی ها بلکه بهره های معنوی مانند عزت، کرامت، آبرومندی، علم، نبوت و رسالت و ولایت و امامت همگی رزق به شمار می آیند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۶۰۰). رزق دو قسم تکوینی و تشریحی دارد، عنوان رزق تکوینی بر هر چیزی که انسان یا جاندار دیگر تغذیه می کند یا از آن به نحو دیگری بهره می برد صادق است. لیکن رزق تشریحی در مورد هر مال و منفعت و انتفاعی صادق نیست، مگر آنکه حلال باشد چون در نظام تکوین، حرمت اعتباری راه ندارد. بنابراین تقیید آن به قید حلال ناصواب است لکن در بحث های تشریحی چنین تقییدی صائب است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵۸).

«رزق» در این پژوهش رزق تشریحی در بخش اقتصادی و مال و ثروت و خوردن و آشامیدن و کالا در بازار اسلامی است و «رزق حلال و طیب» نامیده می شود. رواج و رونق رزق حلال و طیب، عمود خیمه بازار اسلامی است و بازاری مسلمان باید پرچمدار کسب پاک و علمدار رزق حلال و طیب باشد.

قرآن کریم تنها رزق حلال طیب را سزاوار خوردن می داند و ماموریت بشریت را کسب پاک و اکل از رزق حلال و طیب می شمارد (مائده، ۸۸ و بقره، ۱۶۸ و انفال، ۶۹ و نحل، ۱۱۴).

پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ فرموده اند: «العبادة سبعون جزءاً أفضلها جزءاً طلب الحلال» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۵۱؛ شعیری: ۱۳۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۰۳، فیض کاشانی، ج ۲۶: ۱۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۷)؛ عبادت هفتاد جزء است، بهترین جزء آن‌ها طلب حلال می باشد. در حدیث دیگر فرموده اند: «العبادة عشرة اجزاء تسعة اجزاء في طلب الحلال» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۹ و ۱۸)؛ عبادت ده جزء است نه جزء آن در طلب حلال قرار دارد. در حدیث نبوی دیگر آمده است: «طلب الحلال جهاد» (قضاعی، ۱۳۶۱: ۲۸؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴)؛ حدیث ۹۲۰۱)؛ طلب حلال جهاد است. در گفتار دیگر فرموده اند: «افضل الاعمال الكسب الحلال» (متقی هندی، همان: حدیث ۹۲۱۷)؛ بهترین کارها کسب حلال است. در روایت دیگر آمده است: «من بات كلاً من طلب الحلال بات مغفوراً له» (ابن بابویه، ۱۴۳۱ق: ۲۸۹؛ ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق: ۱۶۷؛ ابن ابی جمهور، ج ۳: ۲۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۲)؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۱۳)؛ هرکس از خستگی و تلاش و کوشش از طلب حلال بخوابد گناهایش آمرزیده شود. در سخن دیگر فرموده اند: «الشاخص في طلب الرزق الحلال كالمجاهد في سبيل الله» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۱۷)؛ کسی که در رفت و آمد و تلاش در طلب رزق حلال است نظیر مجاهد فی سبیل الله است. در حدیث دیگر آمده است: «من اكل الحلال اربعين يوماً نور الله قلبه واجرى ينابيع الحكمة على لسانه» (همان: ۱۶؛ فیض کاشانی، ج ۳: ۲۰۴)؛ هرکس چهل روز حلال بخورد، خداوند دل او را نورانی سازد و چشمه‌های حکمت را بر زبانش جاری کند.

در حدیث نبوی آمده است: هرکس حلال بخورد فرشته ای بر سرش بایستد و برایش تا زمانی که از خوردن فارغ گردد استغفار نماید (همان: ۱۱ و ۱۲). در سخن دیگر پیامبر ﷺ فرموده اند: از مروت تلاش در راه اصلاح مال است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۴). در این احادیث نبوی، شاخصه اصلی و پایه و رکن بنیادین ساختار بازار اسلامی و عنوان و تابلو بازار مسلمانان در واژه بسیار مهم و راهگشای «حلال» بیان شده است. به حکم این احادیث نبوی، حلال خواری و لقمه حلال، عنصر اصلی عبادت خدا و هم سطح با جهاد در راه خدا و عامل نورانیت قلب و آمرزش گناهان و استغفار و امداد

فرشتگان شمرده شده است. با عنایت به همین ویژگی هاست که «طلب حلال» بر همه مسلمانان واجب است و پیامبر خدا ﷺ فرموده اند: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم ومسلمة» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳: ۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۸۸)؛ طلب حلال بر هر مرد وزن مسلمان واجب است.

امیرمومنان امام علی (علیه السلام) فرموده اند: خوشا به حال کسی که خودش را به رنج و سختی اندازد و ذلیل و خوار سازد، و کسبش را پاک و روزی اش را حلال کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳: ۲).

امام صادق (علیه السلام) زیر بنای خیر را شوق تلاش برای کسب مال از راه حلال دانسته و فرموده اند: خیری نیست در کسی که جمع آوری مال از راه حلال را برای این که آبرویش را حفظ کند و با آن بدهکاری اش را بپردازد و صلّه رحم نماید دوست نمی دارد (کلینی، ۱۴۰۱ ق، ج ۵: ۷۲؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۱۹).

همچنین به عمرو بن سیف فرمودند: طلب رزق از حلال را رها مکن و وامگذار، زیرا طلب رزق از حلال کمک تو بر دینت می باشد، با توکل زانوی اشتر ببند (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۱۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳: ۵). امام صادق (علیه السلام) در این حدیث، تلاش در راه روزی حلال را موجب تثبیت و تقویت دین داری تاجر دانسته اند.

کلید واژه اساسی رزق و کسب در اسلام، واژه حلال می باشد. حلال به معنای اقدامات مطابق شریعت اسلامی و اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال و رعایت کامل احکام و مقررات و قوانین قرآن و حدیث و آموزه های دینی و کسب طیب و اصلاح مال است. اقدامات اقتصادی و خرید و فروش و ساخت و عرضه کالا نباید به حرام و معصیت آلوده گردد.

خطرات و زیان های کسب مال از راه حرام و نافرمانی خدای متعال در سطحی است که امام علی (علیه السلام) فرموده اند: بزرگترین افسوس ها و تاسف ها روز قیامت، افسوس مردی است که مالی را از راه حرام در غیر طاعت خدا کسب کرده است و آن را به مردی ارث رسانده است که در طاعت و فرمان برداری خدای سبحان انفاق و هزینه نموده است پس او به

سبب آن مال وارد بهشت شده است و اولی با آن مال به جهنم رفته است (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۱۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۵۲).

فضل بن ابی قرّه گفته است امام صادق (علیه السلام) را دیدیم در دیوار و باغی که از ایشان بود کار می کرد. گفتم: جان ما فدای تان باد بگذارید ما یا غلامان این کار را انجام دهیم. امام فرمود: نه! مراها کنید من علاقه و میل دارم خدای عزوجل مرا ببیند که با دستم کار می کنم و حلال را با رنج و سختی تنم طلب می نمایم (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۴۳۱؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۲۴).

## ۲. بازار اسلامی پایگاه تجارت مشروع

«سوق» و «تجارت» در فرهنگ و اقتصاد اسلامی تفکیک ناپذیرند و «بازار» و «تجارت» ظرف و مظروف وابسته به هم و پایدارند. بازار اسلامی جایگاه «تجارت» اسلامی است و خرید و فروش کالا و خدمات و منافع و پول و مال براساس احکام شرعی و قوانین اسلامی در گردش و جریان است.

امام علی (علیه السلام) به موالی دستور داده و فرمودند: تجارت کنید خداوند به شما برکت دهد، من شنیدم پیامبر خدا می گفت: رزق ده جزء است و نه جزء در تجارت و یک جزء آن در غیر تجارت است (حرعاملی، ج ۱۲: ۵).

«تجارت» تصرف در سرمایه برای سود بردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۷۳)؛ بنابراین تجارت خرید و فروش کالا و خدمات و منافع است و این کار در بازار انجام می شود.

امام علی (علیه السلام) در حدیث اربعماه فرموده اند: تجارت کنید زیرا در تجارت بی نیازی از دستان مردم است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۹۶؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۴، حدیث ۲۱۸۴۵).

تجارت عامل افزایش عقل و ترک آن موجب نقص و کاهش عقلانیت است. ابن بکیر گفته است، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «التجاره تزيد فی العقل» (حرعاملی، ج ۱۲: ۴)؛ تجارت عقل را زیاد می کند. حماد بن عثمان نیز نقل کرده است امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«ترك التجارة ينقص العقل» (طوسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲: ۱۱۹؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۵)؛ ترك تجارت عقل را کم می کند. بنابراین بازار پایگاه خریدورزی است و با تجارت، عقل روبه تزیاید خواهد بود.

فضیل بن یسار می گوید، به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «انی قد تركت التجاره»؛ من تجارت را ترك کردم! امام فرمود: تجارت را ترك نکن! در مغازه ات را باز کن و بساطت را پهن نما و از پروردگارت طلب رزق نما (حرعاملی، ج ۱۲: ۸).

اسباط بن سالم گفته است، نزد امام صادق (علیه السلام) از عمر بن مسلم یاد شد، عرض کردم تجارت را ترك کرده است. امام سه بار فرمود: «عمل الشيطان» (طوسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲: ۹۹؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۶)؛ کار شیطان است! مفضل بن ابی قره گفته است، امام صادق (علیه السلام) در نکوهش مردی که تجارت را ترك گفته بود فرمودند: تجارت را رها نکنید که خوار و ذلیل و سبک و سست می شوید، تجارت کنید خداوند به شما برکت دهد (طوسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲: ۱۱۹؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۷).

امام صادق (علیه السلام) به معاذ بیاع الاکیسه که به دلیل داشتن ثروت زیاد و امکانات برای تامین هزینه زندگی تا پایان عمر، تجارت را ترك نمود، فرمود: تجارت را ترك نکن زیرا ترك تجارت از بین برنده عقل است بر خانواده ات توسعه بده و بپرهیز از این که خانواده علیه تو حرف بزنند (حرعاملی، ج ۱۲: ۶).

عبدالرحمن بن حجاج گفته است یکی از اصحاب ما در مدینه در تنگنای شدید اقتصادی قرار داشت و تحت فشار و به سختی زندگی می کرد. امام صادق (علیه السلام) به او فرمود: «اذهب فخذ حانوتی فی السوق وابسط بساطا فلیکن عندک جرّه ماء والنزم باب حانوتک» (همان: ۳۵)؛ برو مغازه ای در بازار بگیر و بساطی را پهن کن و نزد تو کوزه آبی باشد و پیوسته در مغازه ات باش! (فعل ذلک و صبر فرزقه الله و کثر ماله و اثری. او رفت و دستور امام را انجام داد و صبر کرد، پس خداوند به او روزی نمود و مال او زیاد شد و ثروتمند گردید).

اهل بیت (علیهم السلام) در این احادیث، مسلمانان را از بی کاری و ترك تجارت بازداشته اند و

بر تجارت پایدار و پیوسته تا پایان عمر بی بازنشستگی تاکید دارند و زیبایی ها و آثار دنیوی و اخروی تجارت را نشان داده اند. بنابراین بازار اسلامی و تجارت مسلمانان باید همواره برقرار باشد و آنان رزق حلال را از راه تجارت، کسب نمایند. تجارت یک امر رحمانی و عقلانی و ترک آن شیطانی و بی عقلی است.

### ۳. ضرورت آگاهی از احکام و آداب شرعی تجارت

تجارت در بازار احکام و آدابی دارد باید بازاری در جامعه اسلامی از آن احکام آگاهی یابد تا بتواند تجارت مشروع داشته باشد. آگاهی از احکام شرعی کالا و پول و خرید و فروش برای هر تاجر مسلمان لازم است تا گرفتار تجارت حرام و نامشروع و شبهه‌ناک نگردد.

امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) آموزگار فقه تجارت به تاجران بوده اند و به تاجران ضرورت تفقه رایادآور شده‌اند. اصبع بن نباته گفته است شنیدم امیرمؤمنان (علیه السلام) بر منبر می گفت: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر!» (همان: ۲۸۲)؛ ای گروه تاجران! فقه سپس تجارت، فقه سپس تجارت، فقه سپس تجارت و خرید و فروش! در این حدیث علوی سه بار اصل و قانون تقدّم فقه و آگاهی از احکام شرعی تجارت، بر تجارت و خرید و فروش تکرار و آموزش داده شده است.

طلحه بن زید گفته است، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) فرمود: «من أتجر بغير علم ارتطم فی الربا ثم ارتطم» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰۳: ۹۳؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۳۸۳)؛ هرکس بی آگاهی تجارت کند در ربا فرورود و گرفتار ربا شود.

امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: هرکس اراده تجارت دارد باید در دینش تفقه کند و احکام تجارت را بفهمد تا با تفقه در دین بدانند آن چه را بر او حلال است از آن چه بر او حرام می باشد و کسی که هنوز در دین تفقه نکرده تجارت کند در ورطه شبهات فرو می رود (مفید، ۱۴۱۰ ق: ۹۲؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۲۸۳).

#### ۴. ضرورت ذکر در بازار و یاد خدا

بازار بدون فقه و آداب اسلامی پایگاه شیطان و فتنه می گردد. بازاریان باید از احکام شرعی و بایستگی ها و نبایدهای تجارت آگاهی یابند و به آن پای بند گردند تا بازار مرکز عبادت خدا و افزایش خردورزی و تکامل و عزت گردد. بازار ظرفیت انحراف را دارد و می تواند بدترین جای زمین شود از این رو پیامبر خدا فرموده اند: «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَهِيَ مِیدَانِ ابْلِیسَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۸۴: ۱۱ و ج ۱۰۳: ۹۷؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۲۴۵)؛ بدترین جایگاه زمین بازارهاست، بازار میدان شیطان است. در حدیث دیگر فرموده اند: «السُّوقُ دَارُ سَهْوٍ وَغَفْلَةٍ فَمَنْ سَبَّحَ فِيهَا تَسْبِيحَةَ كِتَابِ اللَّهِ لَهَا بِهَا الْفُتْنَةُ» (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۴، حدیث ۹۳۲۶)؛ بازار سرای بی خبری و غفلت است پس هر که در بازار یک تسبیح بگوید خداوند هزار هزار ثواب برایش بنویسد.

امام علی (علیه السلام) به حارث همدانی نوشتند: «ایاک و مقاعد الاسواق فانها محاضر الشیطان و معاریض الفتن» (نهج البلاغه، نامه ۶۹)؛ از پاتوق های بازارها بپرهیز که محل های حضور شیطانند و عرضه گاه های فتنه ها و گمراهی ها!

بنابراین بازار می تواند پایگاه دین داری و خردورزی و تکامل و سعادت شود و امکان دارد شرالبقاع و ابغض البقاع و میدان شیطان و جایگاه سهو و غفلت گردد. بازار باید همواره خیرالبقاع و احب البقاع الی الله که مسجد است باشد تا اقتصاد دینی و بازار اسلامی تحقق یابد. ذکر و دعا و آموزش فقه تجارت و اخلاق و آداب آن در جهت گیری بازار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نقش اساسی دارد. رواج ذکر و دعا در بازار از شاخص های بازار اسلامی است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَسْوَاقِ غُفِرَ لَهُ بَعْدَ أَهْلِهَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۷: ۴۱؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۳۰۳)؛ هر کس در بازارها یاد خدا نموده و ذکر الله کند خداوند به عدد بازارها برایش مغفرت نماید و بیامرزد.

امام صادق (علیه السلام) به ابوعبیده فرمودند: «مَنْ قَالَ فِي السُّوقِ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ الْفُتْنَةَ» (همان)؛ کسی که در بازار بگوید «أَشْهَدُ

ان لا اله الا الله و اشهد انّ محمدا عبده ورسوله» خداوند برای او هزار حسنه می نویسد. تکبیر در هنگام تجارت و خرید و فروش از آداب تجارت است. حزیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: «اذا اشتريت شيئا من متاع او غيره فكبر» (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۱۲۱)؛ زمانی که چیزی از متاع و غیرآن خریدی پس تکبیر بگو. پیامبر خدا فرموده اند: «اکثروا الاستغفار فانه يجلب الرزق» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۲۱)؛ زیاد استغفار کنید زیرا آن روزی را جذب می کند.

### ۵. اقامه نماز و تجارت

نماز ستون دین و مدرسه انسان سازی و طریق رشد و کمال و دوری از فساد و تبهکاری هاست. تاجران باید به مواقیت نماز توجه کنند و نماز را در وقت آن بیادارند. اقامه نماز در اول وقت در بازار از شاخص های بازار اسلامی است. از این رو در گذشته بازار و مسجد در کنار هم قرار داشته اند و مسجد و بازار پیوند پایدار در بازار اسلامی دارند. باید در پیوست فرهنگی معماری بازارها و پاساژها و مراکز بزرگ تجاری و منشور مهندس ناظر و مبللمان شهری بر تاسیس مسجد مناسب در آنها تأکید شود تا بازاریان بتوانند بین تجارت و نماز در وقت آن جمع کنند.

قرآن این حقیقت را یادآوری نموده و تاجران نمازگزار را ستوده است. مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی سازد آن ها از روزی می ترسند که در آن دل ها و چشم ها زیر و رو می شوند (نور، ۳۷) امام صادق (علیه السلام) در ارتباط با این آیه فرموده اند: آنان تجاری اند که تجارت و معامله آنان را از ذکر خدا باز نمی دارد زمانی که مواقیت نمازها فرارسد حق خدا در وقت های نماز را ادا می نمایند (حرعاملی، ۱۲: ۲۹۷).

ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام) داستان مؤمن فقیر بسیار نیازمندی از اصحاب صفه به نام سعد را نقل کرده است که در همه نمازها همواره با پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نماز می گزارد.

پیامبر خدا از فقر و نیازمندی شدید سعد اندوهگین بودند و جبرئیل نازل شد و دو درهم به پیامبر داد که به سعد بدهند تجارت کند. پیامبر دو درهم را به سعد داده و به او فرمودند: قم فاطلب الرزق فقد كنت بحالک مغتما یاسعد! پیاخیز و در پی روزی باش و طلب رزق نما. من به حالت، ای سعد، غمناک بودم. آنجر بهما وتصرف لرزق الله! با این دو درهم تجارت کن و درصدد کسب رزق الله باش. دو درهم را گرفت و رفت تجارت کرد و سرمایه دار شد و تاجر بزرگی گردید، در کنار مسجد النبی جایگاه تجارت ساخت و بلال اذان می گفت و او مشغول دنیا و تجارت بود و وضو نمی گرفت و برای نماز آماده نمی شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: یاسعد شغلتک الدنیا عن الصلاه! ای سعد دنیا تو را مشغول ساخته و از نماز غافل کرده و بازداشته است. پیامبر دوباره برای وضعیت جدید سعد اندوهناک گردید. جبرئیل آمد و از پیامبر پرسید کدام وضعیت او در نزد شما محبوب تر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حالت گذشته و حال نخستین او. جبرئیل عرض کرد: دو درهم را از او پس بگیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دو درهم را از وی گرفتند و او به حال و وضع نخستین بازگشت (حرعاملی، ج ۱۲: ۲۹۷ و ۲۹۸).

## ۶. اتقان و استحکام و جودت کالا و رعایت استانداردها

کالایی که فروشنده در بازار به مشتری می دهد باید شرایط مطلوب را دارا باشد. آن چه امروز استاندارد می نامند رعایت آن در معارف اسلامی به تاجران در بازار اسلامی سفارش شده است. تولیدکنندگان و کارخانه داران مسلمان باید اتقان و استحکام و استانداردها را در تولید رعایت کنند و همین شاخص موجب رونق و توسعه تولید ملی می گردد و از اصول توسعه اقتصادی و پیشرفت و بازاریابی و جذب جهانی خواهد بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملاً ان یتقنه» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۳۶۶)؛ خداوند تعالی دوست دارد هنگامی که یکی از شما کاری انجام می دهد آن را با اتقان انجام دهد و محکم و کامل سازد.

زمانی که ابراهیم فرزند پیامبر خدا از دنیا رفت. پیامبر در هنگام دفن وی درون قبر

رفته و خللی را مشاهده کرده با دست درست کردند و فرمودند: «اذا عمل احدکم عملا فلیتقن» (حرعاملی، ج ۲: ۸۸۳)؛ هرگاه یکی از شما کاری می کند پس باید آن را با اتقان انجام دهد. «اتقان» انجام درست و دقیق و محکم و مستحکم با تخصص و مهارت کامل است.

پیامبر خدا بر قبر سعد بن معاذ لحد ساخت و خشت قبر را برابر نمود و قبر را با دست درست کرد و فرمود: «انّی لاعلم انه سیبلی ویصل الیه البلاء ولكنّ الله یحبّ عبدا اذا عمل عملا احکمه» (همان)؛ من می دانم که آن به زودی کهنه می گردد و بلا به آن می رسد و لکن خداوند آن بنده ای را دوست دارد هنگامی که کار را انجام می دهد آن را محکم می سازد. رسول الله در رهنمود دیگر فرموده اند: «ان الله تعالی یحبّ من العامل اذا عمل ان یحسن» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۳۶۶)؛ خدای متعال برای کارگر دوست دارد که هرکاری می کند نیک انجام دهد.

در این احادیث نبوی «اتقان» و «احکام» و «احسان» در کار خواسته شده است و این با فروش کالای سالم و با استاندارد و باکیفیت در بازار انجام می گردد.

امام صادق (علیه السلام) بر «جید» بودن کالایی که در بازار خرید و فروش می گردد تأکید نموده و جودت کالا را لازم شمرده و موجب برکت دانسته اند. عاصم بن حمید گفته است امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: چه کار می کنی؟ عرض کردم: ابیع الطعام. خوراکی و غذا می فروشم! امام فرمودند: جید و خوب بخر و جید بفروش زمانی که جید بفروشی، برای آن گفته می شود: خدا در تو و در کسی که به تو فروخته برکت بدهد! (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۱۲۳؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۳۳۲).

مروک بن عبید نیز نقل کرده است امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در جید و خوب دو دعاست و در ردی و بد، دو دعا (نفرین) است، به صاحب جید گفته می شود: خداوند در تو و در کسی که به تو فروخته برکت دهد و به صاحب ردی گفته می شود: خداوند در تو و در کسی که به تو فروخته برکت ندهد! (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۹۵؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۳۳۳).

جَیْد و ردیّ ضد هم و در تقابل با هم قرار دارند. جَیْد کالای خوب و ممتاز و درست و باکیفیت و مطابق قاعده و اصول و استاندارد است و ردیّ ضد آن، کالای بد و خراب و شکسته و بی کیفیت و بی فایده و معیوب است. باید در بازار اسلامی تجارت و خرید و فروش کالای جَیْد و ممتاز و کامل و بی عیب و نقص رواج داشته باشد و هرگز آلوده به کالاهای بدلی و مشابه و تقلبی و معیوب نشود.

### ۷. شفافیت و صداقت

در تجارت و خرید و فروش باید صداقت حاکم باشد. تبلیغات حقیقی و واقعی و شفافیت و راستگویی و پاسبخگویی و اظهار و اعلام وضعیت کالا و نرخ خرید و فروش و سود و ثبِت نرخ و قیمت کالا و ارائه فاکتور روشن از شاخص های بازار اسلامی است. پیامبر اسلام به تاجران فرمودند: «یا معشر التجار ایاکم و الکذب: ای گروه تاجران از دروغ پرهیزید! یا معشر التجار ان التجار بیعتون یوم القیامه فجّارا، الأمان اتقی و برّ و صدق: ای گروه تاجران! همانا تاجران روز قیامت فجّار برانگیخته می شوند جز کسانی که تقوا پیشه ساخته و نیکی کرده و راست گفته اند» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۱).

امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب تاجر خویش چنین وصیت نمودند: برتوباد به راستگویی و صداقت در سخن ات و هیچ عیبی را در تجارت کتمان مکن... همانا تاجر راستگوروز قیامت با سفیران گرامی و نیکوکار است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۱۰۱).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: سه فرد را خداوند بی حساب وارد بهشت می سازد: امام عادل و تاجر راستگو و راست کردار و پیرمردی که عمرش را در طاعت خدا سپری ساخته است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۴ و ۹۸).

امام علی (علیه السلام) فرموده اند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هرگاه تاجران (خریدار و فروشنده) راست بگویند و نیکی کنند معامله برای آنان برکت خواهد داشت و هرگاه دروغ بگویند و خیانت کنند بی برکت می گردد (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۵)؛

مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳: ۹۵).

امام صادق (علیه السلام) از پدران خویش از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که در ارتباط با تجارت فرمودند: «من باع واشتری فلیتجنّب خمس خصال والأفلا بیعین ولایشتیرین: الربا و الحلف و کتمان العیب و الحمد اذا باع و الذم اذا اشتری» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳: ۹۶ و ۱۰۰)؛ هرکس بفروشد و بخرد باید از پنج خصلت دوری کند و الا نه بفروشد و نه بخرد: ربا و سوگند و عیب پوشی و کتمان عیب و ستایش هنگام فروش و نکوهش هنگام خرید.

یحیی بن علا و اسحاق بن عمار درباره کلید رزق از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل کرده اند: امام صادق (علیه السلام) هیچ گاه با ما وداع نمی کردند مگر این که ما را به دو خصلت وصیت می نمود: بر شما باد به راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار زیرا این دو کلید رزق و روزی است (طوسی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲: ۲۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳: ۹۲).

بازار اسلامی باید بازار راستگویی و صداقت و آشکار ساختن عیب کالاها و خرید و فروش آگاهانه و بی ابهام و بدون پنهان کاری گردد و تنها در این صورت توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت کسب و کار و رفاه و آرامش تحقق می یابد.

### ب: شاخصه های سلبی

لازم است بازار اسلامی از چیزهایی پاک باشد. رذایل و آلودگی ها و پلشتی هایی در بازار رواج دارد که از منظر اقتصاد اسلام حرام و مذموم است. آنچه نبایستی در بازار اسلامی جریان داشته باشد در نصوص دینی وجود دارد. رهایی از موانع پویایی و پیشرفت و کارآمدی بازار اسلامی، ضرورت دارد. فعل حرام در بازار اسلامی باید ترک شود.

### ۱. اخسار و تطفیف و کم فروشی ممنوع

قرآن از اخسار و تطفیف و کم فروشی نهی کرده و تاجران را به پرفروشی و کامل و تمام

فروشی فراخوانده است. قرآن از مسلمانان می خواهد در زمان فروش پر و کامل بفروشند همان طور که دوست دارند در هنگام خرید پر و کامل بگیرند و می گیرند.

قرآن از تطفیف و اخسار نهی کرده و می گوید: وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمان می کنند حق خود را به طور کامل می گیرند، و هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند کم می گذارند! آیا آن ها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، در روزی بزرگ، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند (مطففین، ۱ تا ۶).

در جای دیگر خدای متعال در فلسفه برافراشتن آسمان ها و گذاشتن میزان می فرماید: تا در میزان و ترازو و کشیدن طغیان نکنید، و وزن را براساس عدل بپا دارید و میزان را کم نگذارید و کم فروشی نکنید (الرحمن، آیات ۷ و ۸).

در جای دیگر خدای سبحان فرمان داده است: حق پیمان را ادا کنید و کم فروشی نکنید و دیگران را به خسارت نیفکنید! و با ترازوی صحیح و دقیق وزن کنید! و حق مردم را کم نگذارید و در زمین برای فساد تلاش نکنید (شعراء، آیات ۱۸۱ تا ۱۸۳).

از شاخصه های بازار اسلامی پر فروشی و کامل فروشی و تمام فروشی حتی بیشتر دادن در هنگام فروختن کالاهاست. باید با وسواس و دقت حق مشتریان را ادا کنند و سعی کنند کم فروشی نکنند. کالا را کامل و تمام و صحیح به مشتری بدهند و با اخسار و تطفیف گرفتار حق الناس نگردند. رهایی از اخسار و تطفیف نیازمند ترازوی دقیق و صحیح و کشیدن بالاتر از وزن مورد نظر و تحویل بیشتر از آن است.

ابان از قول امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «خمس ان ادركتموهن فتعودوا بالله منهن... ولم ينقصوا المكيال والميزان الا اخذوا بالسنين و شدة المؤونه و جور السلطان» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۳۷۳؛ ابن بابویه، ۱۴۳۱ق: ۲۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۷ق: ۸۰؛ طبرسی، ۱۳۴۴: ۱۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۳۶۷ و ۳۷۶)؛ پنج چیز است اگر آن ها را درک کردید از آن ها به خدا پناه ببرید... و در پیمان و ترازو نمی کاهند و کم نمی کنند مگر اینکه زمینی که گیاه نداشته

باشد و خشکسالی، و شدت و سختی خوراک و خوار بار و سنگینی زندگی، و ستم سلطان گرفتار شوند.

کم فروشی در پیمانہ و ترازو از کارهای زشتی است که باید به خدا پناه برد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این حدیث سه خطر و ضرر بی دقتی در پیمایش و کشیدن را یادآوری نموده اند و به بازاربان هشدار داده اند که نقصان در مکیال و میزان عامل رفاه و آسایش برای آنان نخواهد شد. بلکه بر عکس عامل سختی زندگی و معیشت و گرفتاری به ستمگران می گردد.

پیامبر خدا همواره به پرفروشی و پرکردن پیمانہ و سرریز شدن و زیادتر و سنگین و کامل کشیدن فرمان داده اند و از کم فروشی و کم کشیدن نهی کرده اند.

جابر گفته است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «اذا وزنتم فارحوا» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۲۲، حدیث ۹۴۳۸؛ قضاعی، ۱۳۶۱: ۳۳۰)؛ هرگاه وزن کردید پس رجحان بدهید و پس سنگین و کامل و بهتر کنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «زن یا وزان فارح» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۴۳)؛ وزن کن ای وزن کننده پس بهتر و سنگین و بیشتر وزن کن.

در نقل دیگر سوید بن قیس گفته است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «یا وزان زن فارح» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق: ۱۴)؛ ای وزن کننده وزن کن پس سنگین و کامل کن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این رهنمودها همواره صاحبان ترازو را به سنگینی کشیدن برای خریدار دعوت نموده اند تا گرفتار کم فروشی و زیان های آن نشوند.

## ۲. غش ممنوع و حرام

غش با فتحه غین مصدر و با کسره آن اسم مصدر است. غش در معاملات و تجارت در بازار اسلامی حرام و باطل است. غش وجود ضعف و استفهام در چیزی و عدم خالصی در نصیحت و خیرخواهی است (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۷۵۵). طعام مغشوش آن است که بالای

آن خشک و زیر آن تر باشد (زمخشری: ۳۲۴) حقد و کینه و خیانت و کدر در هر چیزی و غلّ و سیاهی قلب و چهره عبوس و غیر خالص و لبن مغشوش یعنی شیر غیرخالص و فضه مغشوشه یعنی نقره مخلوط با آهن (خوری، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۸۷۳) جنایت و تزویر و ریاکردن و ادهان و حقد و کینه و سیاهی قلب و تیرگی در هر چیز و هر چیز کدر و آلوده و آغشته، چیزی کم بها که با چیز گرانبها مخلوط کنند مانند فلز کم بها که با زر یا سیم ترکیب کنند و آمیزش چیزی کم بها در طلا و نقره و مشک و شراب و خدعه کردن و مکر و گول زدن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۶۷۳۳؛ معین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۱۱۴؛ عمید، ۱۳۶۳: ۸۸۸).

بنابراین غش به معنای گول زدن و فریب دادن و تقلب و جنس معیوب را به عنوان جنس سالم به مشتری عرضه کردن و نشان دادن ویژگی خوب در کالای مورد معامله در صورتی که خلاف واقع است و در بسته بندی میوه ها میوه مرغوب را قرار دادن و پنهان کردن جنس پست زیر جنس برتر و مرغوب، و آب پاشیدن روی سبزی کهنه و مانده برای تازه نشان دادن آن و اعلام نکردن عیب کالا به شخصی که به بایع اعتماد دارد و فروختن کالا در مکان تاریک که عیب کالا پنهان بماند، می باشد.

در گفتار پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) از غش نهی و با آن به شدت مبارزه شده است.

### الف: نهی از غش در سنت نبوی

از «غش» در سنت معصومان (علیهم السلام) نهی شده؛ چون غش عامل فساد بازار مسلمانان است. پیامبر خدا ﷺ فرموده اند: هر کس مسلمانی را در خرید و فروش غش بزند و فریب دهد از ما مسلمانان نیست و در روز قیامت با جهود محشور می گردد، زیرا آنان فریب کارترین و غش زننده ترین مردم نسبت به مسلمانان اند (شیخ مفید، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۱۴؛ ابن بابویه، ۱۴۳۰ق: ۴۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۳۰؛ ورام ابن فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۱۰۷۵).

مطابق این حدیث، پیامبر خدا ﷺ اهل غش را از مسلمانان نمی‌دانند و اعتقاد دارند غش کارترین مردم یهودیان‌اند و مسلمان اهل غش روز قیامت با جهودان محشور می‌گردد. سرنوشت بدی که در انتظار اهل غش است نشان دهنده این واقعیت است که غش بسیار زشت و فوق‌العاده بد است.

در حدیث دیگر رسول الله ﷺ به مسلمانان چنین هشدار داده‌اند: آگاه باشید هرکس ما مسلمانان را غش بزند از ما نیست (این سخن را سه بار فرمود) هرکس به برادر مسلمانش غش بزند خداوند برکت را از روزی او بر می‌دارد و زندگی را برای او تباه می‌سازد و او را به خودش وامی‌گذارد (از نظر لطف خدا می‌افتد) (ابن بابویه، ۱۴۳۱ق: ۲۸۶؛ دیلمی، ۱۴۱۸ق: ۴۱۷؛ حر عاملی، ج ۱۷: ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۳۶۵). سه بار تکرار جمله نخست، و این آثار وضعی غش در معاملات، نشان دهنده وضعیت بسیار منفی غش در مکاسب است. مال بازاری اهل غش، بی‌برکت و معیشت او تباه و فاسد می‌گردد و خداوند او را به خود وامی‌گذارد.

پیامبر خدا ﷺ بازتاب و پیامد غش را بیان کرده، از غش نهی می‌کنند. امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «دخل علیه رجل یبیع الدقیق، مردی که آرد می‌فروخت بر پیامبر خدا وارد شد و پیامبر فرمود: از رنگ کردن و فریب دادن سخت پرهیز که هرکس دیگری را غش بزند دیگران در مالش غش می‌زنند و اگر مال نداشت در بستگانش» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۱۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۷: ۱۲؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۲۴۵). در این حدیث هشدار می‌دهد: اگر غش زدی غش می‌خوری در مال یا اهل و خانواده‌ات پس هیچ‌وقت فریب نده و رنگ نکن و غش نزن و خیانت منما! چون اثر و پیامد آن خطرناک است. غش در مال غاش و یا اهل او، معلول غش زدن است.

در رهنمود عمومی دیگر فرموده‌اند: «لیس منا من غش مسلماً او ضرّه او ما کره» (ابن شعبه حُرّانی، ۱۳۶۳: ۴۲؛ صحیفه الامام الرضا: ۴۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۲۷۳؛ ۱۴۳۰: ۲۷۰؛ ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۶۷ و ج ۷۵: ۲۸۵ و ج ۷۲: ۳۸۷)؛ از ما نیست هر شخصی که مسلمانی را فریب دهد و غش بزند یا به او ضرر بزند

یا بر او مکر کند». «لیس منا» در این حدیث نبوی پیام‌های عمیقی دارد. کسی که غش زده است از ما مسلمانان نیست یعنی غش رسم مسلمانی نیست و انحراف از اسلام و باعث خروج از امت محمد ﷺ می‌باشد.

زنی بود عطر فروش به نام زینب عطاره؛ روزی خدمت پیامبر خدا ﷺ رسید پیامبر خدا به او فرمودند: «اذا بعت فاحسنی و لا تغشی فانه أنقی و أبقی للمال» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۱۵۱ و ج ۸: ۱۵۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۱ق: ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۲۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷: ۴۶۹؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۲: ۱۵۹)؛ زمانی که عطر می‌فروشی پس آن را نیکو و به نیکی بفروش و در عطر فروشی غش نزن و کسی را فریب مده؛ اگر چنین کنی برای پاکی و پرهیزکاری در پیشگاه خداوند بهتر است و برای بقا و دوام ثروت نیکوتر می‌باشد.

اسماعیل بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل کرده است: «نهی رسول الله ﷺ ان یشاب اللبن بالماء للبیع» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۱۶۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۲۷۳؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۷: ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸۰: ۴۷۷)؛ پیامبر خدا از داخل کردن و مخلوط کردن آب در شیر برای فروش نهی کردند. در این حدیث نبوی از یک مصداق غش در فروش شیر که ممزوج ساختن آن با آب است، نهی کرده‌اند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیامبر خدا ﷺ به مردی که خرما می‌فروخت فرمودند، ای فلانی آیا ندانسته‌ای هرکس به مسلمانان غش روا دارد با مسلمانان پیوندی ندارد و از آنان نیست؟ (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۱۶۰). این هشدار نبوی که امام صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند حاوی دو نکته است: پیامبر در بازار به بازاری خرما فروش آموزش فقه کسب و تجارت می‌دهند، همچنین گسسته شدن پیوند غش زننده به مسلمانان از مسلمانان را اعلام می‌نمایند. پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: هر شخصی به ما مسلمانان غش بزند از ما نیست و هرکس غش بزند پس از ما مسلمانان نمی‌باشد (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۶، حدیث ۹۴۹۹ و ۹۵۰۱ و ۹۵۰۵). و در حدیث دیگر فرموده‌اند: ای انسان‌ها غش زدن بین مسلمانان نیست و هر فردی ما مسلمانان را غش بزند از ما نیست (همان: ۲۷ حدیث ۹۵۰۷). در حدیث نبوی دیگر آمده است: «یا صاحب الطعام أسفل هذا مثل أعلاه؟ من غش المسلمین فلیس منهم» (همان

حدیث ۲۵۰۸؛ ای صاحب طعام و فروشنده خوراکی، آیا زیر این، مثل بالای آن است؟ هرکس مسلمانان را غش بزند از مسلمانان نیست. در حدیث دیگر آمده است: پیامبر ﷺ از مردی که خوراکی می فروخت گذشت جبرئیل به او وحی نمود دستت را در این طعام کن؛ پیامبر دست در طعام نمود و فرمود: نمی بینم جز این که در دینت خیانت کردی و غش برای مسلمانان زدی (همان: حدیث ۹۵۰۹). از این دو حدیث مفهوم و حکم و مصداق غش به دست می آید. بالا و پائین طعام متفاوت باشد. بالا مثل زیر نباشد، بالا خوب و پائین بد و نامطلوب باشد، غش می باشد. ظاهر و باطن کالا متفاوت باشد خوب بنماید و بد باشد غش است.

### ب: برخورد شدید با غش در گفتار و رفتار امام علی (علیه السلام)

سیره امیرمؤمنان (علیه السلام) در حکومت اسلامی حضور در صحنه بازار و شناسایی اهل غش و مجازات آنان بوده است. در رهنمودها نیز همواره ابعاد زشت و زیان بار غش را نشان داده و مسلمانان را از غش بازداشته اند. ابراهیم بن اسحاق خدري گفته است امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: روزی امیرمؤمنان (علیه السلام) وارد بازار خرمافروشان شد در آن هنگام زنی را دید که گریه می کند و با مرد خرمافروشی دشمنی و ستیز می نماید. به آن زن گفت: علت درگیری چیست؟ زن گفت: ای امیرمؤمنان! من از این خرمافروش خرمایی به یک درهم خریدم، پس خرمای زیر آن پست و بد در آمده است و مثل آن خرمایی که دیدم نیست. امام به خرما فروش گفتند: پول آن زن را رد کن! پس امتناع ورزید امام سه بار گفت: پول آن زن را برگردان، امتناع کرد پس تازیانه را بالا برد و به او زد تا این که درهم را به آن زن برگرداند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۱ ق، ج ۵: ۲۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹: ۲۷۲).

در این حدیث امام معصوم، سیره علوی در برخورد با غش خرمافروش در بازار را گزارش نموده اند که امام وارد عمل شدند و حکم تازیانه غش زننده را صادر کردند. نمونه ای از غش نیز در این سیره مشاهده می شود. خرمای خوب و عالی را با خرمای بد و فاسد و

بی ارزش مخلوط کردن و خرمای خوب را رو قرار دادن مصداق غش است.

### ج: محکومیت غش در کلام امامان (علیهم السلام)

امام سجاد (علیه السلام) در نیایش الهی به خدا پناه می‌برند از غش و چنین نیایش می‌کنند: «و نعوذ بک ان ننطوی علی غش احد» (صحیفه سجادیه، دعای هفتم، فراز پنجم)؛ بار خدایا به تو پناه می‌بریم از اینکه غش با احدی را قصد کنیم و در دل فریب و دغل با کسی را بگیریم.

غش اقسامی دارد رفتاری و گفتاری و ذهنی و قلبی و عملی و همه انواع آن زشت است و امام زین العابدین (علیه السلام) به همه آموزش می‌دهند نه تنها غش زنند بلکه قصد و اراده و تصمیم قلبی بر غش زدن نداشته باشند. همه این‌ها بد است و از همه باید به خدا پناه برد.

هشام بن حکم گفته است: کنت ابيع السابری فی الظلال فمرّ بی ابوالحسن الاول (علیه السلام) راكباً فقال لی: من در جاهای سایه و کم نور سابری (لباس منسوب سابور) می‌فروختم. پس روزی امام کاظم (علیه السلام) سواره بر من گذشت و فرمود: «یا هشام ان البیع فی الظلال غش و الغش لا یحل» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۲۷۱؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۷: ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۲۶۵)؛ ای هشام! فروش در جاهای سایه و کم نور غش و فریب و خیانت است و غش حلال نیست.

دقت نظر امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در این حدیث در بیان مفهوم و مصداق غش زیاد است و خرید و فروش در جاهای کم نور و سایه و کم روشنایی را مصداق غش شمرده‌اند و بر عدم حلیت غش تأکید کرده‌اند.

## سایر شاخصه‌ها

شاخصه‌های ایجابی و سلبی فراوانی در قرآن و حدیث برای بازار اسوه و سوق مطلوب و تجارت نمونه وجود دارد. طرح و بررسی و تفسیر، همه آن‌ها نیازمند مقالات متعدد و تالیف کتاب است. در این جا فهرست برخی از آن شاخصه‌ها یادآوری می‌گردد. بخش ایجابی در بازار اسلامی باید حسن نیت و انگیزه پاک (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۲۱) عفت شکم و شهوت (همان: ۲۷ و ۳۵) سحرخیزی و تلاش اقتصادی از بامدادان (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۰، حدیث ۹۲۹۵؛ حرعاملی، ج ۱۲: ۱۲ و ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۵ و ۴۳)، اقاله و پس گرفتن کالای فروخته شده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۹۶؛ متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۳۸)، اختبار و آزمایش قبل از اطمینان (مجلسی، همان: ۸۶)، حق‌گرایی و حق‌شناسی و حق‌گویی (همان، ج ۷۸: ۵۵ و ج ۱۰۳: ۱۰۱ و ۱۲۲)، وجود بازرسی دولتی (همان، ج ۱۰۳: ۱۰۱)، جابجایی خویش و مشتری در خشنودی و محبت (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۱: ۷، حدیث ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۱۰۱)، تقوا پیشگی (مجلسی همان: ۱۰۲) و داشتن چشم انداز و طرح و برنامه پایدار (حرعاملی، ج ۱۲: ۴۹)، امانت داری (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۴، حدیث ۹۳۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۹۲)، سهل و آسان گیری و سماحت (همان، ج ۱۰۳: ۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۱)، آبرومندی و آبروداری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۳۵۲)، شجاعت و جسارت (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۰، و ۲۰ و ۲۱)، تلاوت روزانه قرآن و قرآن‌مداری (همان: ۱۴، حدیث ۹۳۲۷)، نظافت و پاکیزگی و بهداشت (کلینی رازی، ۱۴۰۱، ج ۶: ۴۳۹)، انصاف (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴؛ کلینی رازی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۴۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱۳: ۱۳ و ۲۴ و ۳۷۰ و ج ۵: ۱۴۴)، سهل و آسان‌گیری در خرید و فروش (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۰ و ۲۱)، پرهیز از لقطه و از زمین برداشتن و تملک شیء پیدا شده (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۹۲، حدیث ۴۰۴۸) رایج و حاکم باشد و بازار اسلامی و تاجران صالح را می‌توان با این صفات زیبا و امتیازات شناخت.

نیایدهای بازار اسلامی متعدد است. عنوان‌های صفات سلبی و آنچه باید بازار اسلامی از

آن‌ها پاک بماند، نشان دهنده شاخصه‌های منفی بازار و تجارت است

در بازار اسلامی نباید حلف و سوگند و قسم (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳ق، ج ۱۰۳: ۹۶ و ۹۹ و ۱۰۰) و نجش و بالابردن قیمت بدون قصد خرید (همان، ج ۱۰۳: ۸۱؛ متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۴۱ق، ج ۴: ۳۲) مکاسب محرمه (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۴۱ق، ج ۳: ۲۷۴ تا ۲۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳: ۵۴) رباخواری (همان، ج ۱۰۳: ۹۶) اجحاف در قیمت (همان، ج ۱۰۳: ۸۹) احتکار (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۴۱ق، ج ۴: ۴۰) تنبلی و کسالت (حرعاملی، ج ۱۲: ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱ق، ج ۷۸: ۱۹۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۴۱ق، ج ۳: ۱۶۹) ورود در معامله دیگری و خرید بر خرید (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۴۱ق، ج ۴: ۲۵ و ۳۰) تکاثر و افزون خواهی (متقی هندی، همان: ۷، حدیث ۹۲۴۷) غبن و بی انصافی و کلاه سر طرف گذاشتن (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱ق، ج ۱۰۴: ۱۰۴) مکر (همان، ج ۷۵: ۲۸۵ و ۲۹۲) خدعه (همان، ج ۷۵: ۲۸۵ و ۲۸۶) خیانت (همان، ج ۷۵: ۲۸۵ و ۲۹۰) رکون و اعتماد به ظالمان و شاگرد ظالم شدن (همان، ج ۷۵: ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۹ و ۳۸۰) خرید و فروش انسان و برده‌فروشی (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۴۱ق، ج ۴: ۱۸) کذب و دروغ‌گویی (همان: ۲۱ و ۲۲). وجود و جریان داشته باشد.

## نتایج

بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث روشن است که اسلام دارای نظام جامع اقتصادی پویا و کارآمد می‌باشد و در حوزه بازار و تجارت و بیع و شری، احکام و قوانین پایدار و سازنده دارد و برای همیشه می‌تواند بازار و تجارت را در جایگاه عالی قرار دهد. در این پژوهش ویژگی‌ها و صفات بازار اسلامی در دویخش صفات ایجابی و جمال و وجودی، و صفات سلبی و جلال و عدمی در قرآن و حدیث تبیین گردیده است. این تحقیق نشان داد شاخصه‌های مثبت و منفی کمی و کیفی بازار اسلامی در وحی الهی و معارف اهل بیت علیهم السلام آمده است. آگاهی بازاریان از این شاخصه‌ها و تقید و پای بندی به آن‌ها و عملیاتی ساختن آن‌ها و پی‌گیری‌های همه جانبه، ضرورت دارد. اقتصاد برتر و حیات طیبه اقتصادی در پرتو

اجرای شاخصه های بازار اسلامی تحقق خواهد یافت. اقتصاد اسلامی پاسخگوی همه نیازهای تجارت و بازارهای جهانی است. اصول و شاخصه های رشد و کمال اقتصادی و توسعه و پیشرفت در کتب اصیل و منابع معتبر وجود دارد. احادیث اهل بیت (علیهم السلام) گنجینه گرانبه های شناخت شاخصه های بازار اسلامی است. کشف و استخراج شاخصه ها و اجرای آنها تنها راه بهبود وضعیت اقتصادی و بازار جامعه اسلامی است.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- نهج البلاغه
- صحیفه سجادیه
- آیت الله زاده شیرازی، سید مرتضی؛ آذرنوش، آذرتاش، عادل، محمود. (۱۳۶۲). مجمع اللغات و فرهنگ مصطلحات به چهار زبان عربی، فارسی، فرانسه و انگلیسی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی. قم: سیدالشهداء للنشر.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۳۱ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: طلیعه نور.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۳۰ق). الامالی. بیروت: موسسه التاریخ العربی.
- ابن بطریق حلی اسدی ربعی، یحیی بن حسن. (۱۴۰۷ق). عمده عیون و صحاح الاخبار فی مناقب الامام الابرار. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۴۰۹ق). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد. (۱۳۸۷). ترتیب مقایس اللغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- امام رضا علیها السلام. (۱۴۰۶ق). الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیها السلام. مشهد: مؤسسه آل البيت علیهما السلام.
- امام رضا علیها السلام. (۱۴۰۶ق). صحیفه الامام الرضا علیها السلام. مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیها السلام.
- امامی، محمد. (۱۳۹۶). بازار مسلمانان: آداب و مقررات. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۱ق). حلیة الأبرار فی احوال محمد وآله الاطهار علیهم السلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بروجردی، آقاحسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز.
- پروشانی، ایرج؛ فروتن، فریدون؛ بوناین، میشل. (۱۳۸۹). بازار در تمدن اسلامی. تهران: کتاب مرجع.
- پورمند، محمد؛ کرمی، محمد مهدی. (۱۳۹۳). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. شرح جمال الدین محمد خوانساری. مقدمه و تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال. (۱۴۱۰ق). الفارات. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- خوری شرتونی لبنانی، سعید. (۱۴۰۳ق). اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب الی الصواب. قم: الشریف الرضی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق). اعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد بن مفضل. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله. (۱۴۰۷ق). مشکاة الانوار فی غرر الأخبار. نجف: المكتبة الحیدریة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: مكتبة آیت الله المرعشی النجفی.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (بی تا). اساس البلاغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- سالواتوره، دومینیک. (۱۳۸۶). تئوری و مسائل اقتصادی خرد. ترجمه حمیدرضا ارباب. تهران: نشر نی.
- سامونلسون، پل آنتونی. (۱۳۷۳). اقتصاد. ترجمه علیرضا نوروزی و محمد ابراهیم جهان دوست. تهران: نشر مترجمان.
- شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۳۹۳ق). اقتصادنا. چاپ چهارم. بیروت: دارالفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۱ق). تهذیب الاحکام. بیروت: دارالصعب دارالتعارف.
- عبداللهی، محمود. (۱۳۷۵). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- عمید، حسن. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- فیض کاشانی، محمد بن محسن. (بی تا). المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مكتبة الصدر.
- قاری پور، محمد. (۱۳۹۶). بازار در شهر اسلامی طراحی، فرهنگ و تاریخ. ترجمه خیزران اسماعیل زاده. تهران: افکار.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۳۶۱). شرح فارسی شهاب الاخبار. تحقیق جلال الدین حسینی ارموی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ق). الکافی. بیروت: دارصعب و دارالتعارف للمطبوعات.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحديث.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح الکافی الاصول الروضه. تحقیق ابوالحسن شعرانی. تهران: المكتبة الاسلامیة.
- منتقی هندی، علاء الدین علی. (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. تحقیق محمود عمر الدمیاطی. بیروت: دارالکتب العلمیة.

(محمد رضا جواهری)

- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق). *ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الأخبار*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- معین، محمد. (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). *المقنعه*. قم: نشر اسلامی.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). *تنبیه الخواطر و نزهه النواظر*. قم: مکتبه فقیه.